

بیدل آزاد می‌اندیشد

سید مهدی نبی‌زاده*

گر دل بتید غیرنفس کیست رفیقش و چشم پرد جز مژه امید خسی نیست
حیرت ز رفیقان سفر کرده چه جویند دیدیم که رفتند و صدای جرسی نیست
بر وعده دیدار که فرداست حسابش امروز چه نالیم نفس همنفسی نیست

بیدل^۱ دهلوی شاعر پارسی زبان به‌عنوان نماینده تمام عیار اسلوب هندی به‌شمار می‌آید، زیرا با نازک‌اندیشی راه و رسمی را که پیشینیان او از یکی دو سده پیش بنیاد نهاده بودند، به‌متهای لطافت و به‌حدّ مبالغه‌آمیز توسعه داد. به‌همین خاطر، فارسی‌شناسان هند، بیدل را از صاحب‌کمالان و بزرگ‌ترین شاعر فارسی‌گوی متأخر پس از استادانی چون امیر خسرو دهلوی و عبدالرحمن جامی می‌دانند.

او از خیال‌پردازان چیره‌دست بود و در ایراد مضمون‌های باریک مبالغه و اصرار می‌ورزید. اندیشه‌های عرفانی و غنایی‌اش را با مضمون‌های پیچیده شاعرانه و تشبیه‌ها و ترکیب‌های استعاری تخیلی و توهمات پردامنه و خیال‌پردازی‌های دور و دراز به‌هم آمیخته و از این راه کلامی تازه و بدیع فراهم آورده است که به‌کلی با آن‌چه در دیوان‌های پیشینیان می‌یابیم، متفاوت است. از شیوه‌ای که به‌کوشش بیدل تکامل یافت، می‌توان به‌شیوه‌های غنایی یا تغزلی یاد کرد. تفاوت میان سبک بیدل با سبک‌های پیش از وی (مثلاً سبک عراقی) در ساختمان و ترکیب نبود، بلکه در ذهنیت و طرز تفکر

* سفیر جمهوری اسلامی ایران، دهلوی‌نو.

۱. متن سخنرانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در دهلوی‌نو در مراسم افتتاحیه «انجمن ادبی بیدل» در روز شنبه مورخه ۱۳۸۷/۱/۳۱ هـ ش (۱۹/۴/۲۰۰۸) در محل مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران دهلوی‌نو.

مردم هندوستان بود که بسیار متحول شده بود. به عبارت دیگر تفاوت در دیدگاه فکری و دیدگاه غنایی بود. دیدگاه غنایی یا تغزلی بیشتر به تصنع گرایید و از زیبایی‌های زبانی بسیار سود گرفت. و منظور بیدل از فن شاعری کمال بخشیدن به زبان متعارف و متداول بود، نه ایجاد زبانی شاعرانه. از اوست:

سیر معنی از خم و پیچ عبارت غافل است

قاصد ملک تقدس رنج آب و گل نبرد

از ویژگی‌های عناصر سبکی شعر بیدل بسامد تصویرهای پارادوکسی (ناسازگون)، حسن‌آمیزی، وابسته‌های خاص عددی، تشخیص، تجرید، ترکیبات خاص، اسلوب معادله و تداعی جدید در پیرامون نقش مایه‌های قدیم و ایجاد نقش مایه‌های نو است.

مرمّت مقبرهٔ بیدل دهلوی شاعر
گران‌سنگ و افتخار فرهنگ ایران و
هند، بایستی با همت والای مسئولان و
دست‌اندرکاران مربوطه تحقق یابد.

از میان شاعران سبک هندی، بیدل بیشترین نمونه‌های بسامد تصویرهای پارادوکسی را دارا می‌باشد:

غیرعربیانی لباسی نیست تا پوشد کسی

از خجالت چون صدا در خویش پنهانیم ما

بیدل دهلوی در فهم معنی توحید و معارف، پایداری بلند داشت و فنون تصوف را خوب آموخته بود. و مطالبی که در عرفان بیدل مهم است عبارتند از کمالات مضر در نفس انسانی، اهمیت فرد در جامعهٔ حیات بشری، استغناء نفس، اهمیت تفکر و عظمت روح، رابطهٔ روح فرد با حقیقت مطلق، وسعت حیات انسانی، قدرت خرد، پیمودن مراحل تکامل عرفانی و منازل و مراحل معنوی و... در شعر بیدل مقصود از صمد و صنم همان هستی است:

رمز تنزیه حرم فکر برهمن نشکافت صمد است آن که هیولای صنم می‌باشد

افکار فلسفی بیدل، ریشه در فلسفه قدیم هند دارد. مهم‌ترین و محوری‌ترین اندیشهٔ فلسفی بیدل مسئلهٔ حیات و نیستی است. این اندیشه پس از جولان‌یابی در ذهن وی

به شکل استعاره‌هایی مانند موج فریب نفس، قافله دشت خیال، غبار بال عتقا، زیر و بم وهم، مرغزار عدم، نیرنگ هوس، حیرتکده دهر و جز آن بروز می‌یابد.

بیدل آزاد می‌اندیشد، به مکتب‌های فلسفی استناد نمی‌کند و خودش به تحقیق می‌پردازد و آنچه را حق می‌داند اظهار می‌کند. بیدل انسان را خلاصه آفرینش، مرکز تمام فعالیت‌های طبیعت، روح سیال جهان و محور فلسفه خود می‌داند تا او را به کار، اکتساب هنر و انجام وظایف انسانی تشویق کند.

غزل‌های بیدل حداقل نه بیت است و تا پانزده بیت هم می‌رسد. در آن‌ها تأثیر حافظ، مولانا و امیر خسرو دیده می‌شود.

وی گاه در «یک قافیه» و «یک بحر» چندین غزل سروده است. در حدود بیست قصیده با حدود یک هزار و شش صد بیت دارد. در سه قصیده نخست با تشبیب بهارچه به نعت پیامبر اکرم (ص) پرداخته و در بسیاری از قصیده‌هایش حضرت علی (ع) را مدح کرده است. قصاید بعدی مشتمل بر مواعظ اخلاقی است.

بیدل در قصاید پیرو سبک عرفی، نظیری و طالب آملی بوده است. بیشتر قطعاتش را به مناسبت‌هایی چون خیرمقدم‌گویی به دوستان، تبریک عید، تهنیت و تعزیت سروده است.

بیدل دهلوی در افغانستان و تاجیکستان از شهرت و حسن قبول خاص مردم برخوردار بوده است، چنان‌که به‌وی و آثارش محبت و عشق مفرطی می‌ورزند، نظم و نثرش را می‌خوانند، او را تکریم می‌کنند و وی را حضرت میرزا می‌گویند. آثارش را در مکتب‌ها و مدارس تدریس و درباره آن بحث و تفحص می‌کنند.

در ایران دوره بیدل با ظهور شاعرانی چون مشتاق اصفهانی، هاتف اصفهانی، صباحی بیگدلی و دیگران مصادف بود.

کرسی بیدل‌شناسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کابل تأسیس شده و محصلان در آن سرگرم تحصیل زبان و ادبیات فارسی هستند. از جمله کتب نویسندگان بیدل‌شناس افغانستانی می‌توان به‌غیض قلمس (کابل ۱۳۳۴ ش)، نقد بیدل (کابل ۱۳۴۲ ش)، احوال و آثار بیدل از میر محمد آصف انصاری، جهان‌بینی بیدل، شرح بطور معرفت، بوطیقای بیدل، کلید عرفان، شرح رباعیات بیدل و غیره اشاره کرد.

صدرالدین عینی در سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ میلادی زندگی بیدل را چنین تقسیم کرده است.

۱- دوران کودکی و جوانی بیدل که در تأثیر شیخ کمال در عقیده و عمل به‌مقررات دینی گذشت،

۲- دورهٔ مجذوبیت و ترک دنیا،

۳- دورهٔ اشتغال به‌تصوّف اسلامی و تمایل به‌وحدت وجود،

۴- دورهٔ آشنایی با فلسفه‌های قدیم هند و آمیختن آن با تصوّف اسلامی و اختیار

راه میانه، یعنی عقیده به‌مساوات هندو

و مسلمان،

۵- معتقد شدن به‌ارزش زندگی و خدمت

به‌خلق و جمعیت.

از میان شاعران سبک هندی، بیدل
بیشترین نمونه‌های بسامد تصویرهای
پارادوکسی را دارا می‌باشد.

گرچه به‌نظر می‌رسد صدرالدین عینی با دیدگاه خاص حزبی و شعارهای آن زندگی

بیدل را تقسیم‌بندی کرده و از ظنّ خود یار بیدل شده است!

برخی از نقّادان اظهار می‌دارند که بیدل برای افادت تعلیمات فلسفی و صوفیانه‌اش

به‌اختیار این سبک مجبور بوده، چه افادت تعلیمات فلسفی دقیق تعبیرات مخصوصی را

ایجاب می‌کند، به‌ویژه که این تعبیرات در پردهٔ تصوّف اظهار شده باشد. وی در نثر

نویسی به‌برخی از پیشینیان، مانند سعدی و ظهوری ترشیزی نظر داشته است.

نثر بیدل از آن زبانی که به‌هنگام مصاحبت با دوستان به‌کار می‌برد، فرسنگ‌ها دور

است. شهرت و آوازهٔ نثر بیدل از آن‌جا است که روزگار او این طرز بیان متکلفانه را در

نثر هم، مانند شعر، با تحسین و علاقه می‌نگریسته است. منظور بیدل از «زمین» خلق

دنیاپی با حقایق جدیدتر، عمیق‌تر و مفیدتر از دنیای قدیمی افسانه‌ها است که بتواند

جانشین آیینۀ اسکندر، جام جمشید، تخت سلیمان و... شود.

موجب خوشحالی است که می‌بینم در ایران پیرامون اندیشه و فلسفهٔ بیدل

پژوهش‌های جدی انجام می‌شود و آثار این شاعر مورد استقبال قرار گرفته است. و

جای بسی خوشحالی است که در میان آثار بیدل پژوهان کتاب منتقد و ادیب نام آشنای

هندی پروفسور نبی هادی نیز به‌همت پروفسور توفیق سبحانی ترجمه و در ایران

به چاپ رسیده است. برپایی کلاس‌های بیدل‌شناسی در دانشگاه فردوسی مشهد و در حوزه هنری تهران در یکی دو دهه اخیر، توسط استادانی چون دکتر سید حسین فاطمی، روانشاد دکتر سید حسن حسینی و استاد علی معلم نویدبخش حضور بیدل در محافل علمی و آکادمیک ایران است. اگرچه در سال‌های اخیر کتاب «شاعر آینه‌ها» تألیف استاد دکتر شفیعی کدکنی نیز بسیار راه گشا بوده است.

در پایان به دو نکته اشاره می‌کنم، نخست مرمت مقبره بیدل دهلوی شاعر گرانسنگ و افتخار فرهنگ ایران و هند که بایستی با همت والای مسئولان و دست‌اندرکاران مربوطه تحقق یابد و نکته دوم پیشنهاد تأسیس و ثبت «بنیاد بیدل» که امیدوارم با همکاری ادیبان فارسی زبان از کشورهای ایران، هند، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان ... به‌منصه ظهور برسد. و محصول یک چنین کار مشترک فرهنگی تبیین و تدوین کلیات نثر و نظم بیدل و رواج اندیشه‌های توحیدی و پاک این شاعر و متفکر بزرگ مسلمان می‌باشد. و معتقدم این دو حرکت مهم به‌همت دوستان بیدل در میان دو سرزمین پهناور ایران و هند انجام شدنی است.

با ذکر چهار بیت از بیدل، سخن خود را به پایان می‌برم:

نگردد همت موجه قفس فرسود گوهرها به‌رنگ دود در توفان آتش می‌زنم پرها
 زبان خامه من زخمه ساز که شد یارب که خط پرواز دارد چون صدا از تار مسطرها
 خطی در جلوه می‌آید ز لعل می‌پرست او سزد گر آشنای سرمه گردد چشم ساغرها
 به‌رنگ غنچه خون بسته دل‌های مشتاقان ز سودای خطش بر دود دل پیچیده دفترها

منابع

۱. بیدل دهلوی، میرزا عبدالقادر: دیوان بیدل دهلوی، به‌اهتمام حسین آهی، انتشارات فروغی، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.
۲. سرشک کدکنی، دکتر محمد رضا شفیعی: شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)، انتشارات آگاه، تهران، چاپ چهارم ۱۳۷۶ ه.ش.
۳. عینی بخارایی، صدرالدین (م: ۱۳۳۳ ش): میرزا عبدالقادر بیدل، ترجمه شهباز ایرج، سوره مهر. اردیبهشت ۱۳۸۴ ه.ش.